نَظَّفَ[1] الطُّلّابُ مَدرَسَتَهُم، فَصارَتِ الْمَدرَسَةُ نَظيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

■ لَيْسَ یعنی «نیست»؛ مثال:

﴿...يَقولونَ بِأَفْواهِهِم ما لَيْسَ في قُلوبِهِم وَ اللّهُ أَعْلَمُ بِما يَكْتُمونَ﴾ آلِ عِمران : ١٦٧

با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناتر است.

وقتی این افعال بر سر جملهٔ اسمیّه (که از مبتدا و خبر «ظاهر» تشکیل می‌شود) می‌آیند، خبر را منصوب می‌کنند؛ مثال:

اَلْبُسْتانُ جَميلٌ. صارَ اَلْبُسْتانُ جَميلاً[2].

مبتدا و مرفوع | خبر و مرفوع | فعل ناقص | اسم فعلِ ناقص و مرفوع | خبر فعلِ ناقص و منصوب

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): عَيِّنِ اسْمَ الْأَفعالِ النّاقِصَةِ وَ خَبَرَها.

١ــ كانَ رَسولُ اللّهِ ﷺ أُسْوَةً حَسَنَةً لِلْعالَمينَ. ..... (ناقصه — اسم‌کان مرفوع — خبرکان منصوب)

٢ــ صارَ كُلُّ مَكانٍ مَمْلوءً بِالْأَزهارِ الْجَميلَةِ. ..... (ناقصه — اسم‌کان — خبرکان منصوب)

٣ــ أَصْبَحَ الشّاتِمُ نادِماً مِنْ عَمَلِهِ الْقَبيحِ. ..... (ناقصه — اسم‌کان مرفوع — خبرکان منصوب)

٤ــ لَيسَ الْكاذِبُ مُحْتَرَماً عِندَ النّاسِ. ..... (ناقصه — اسم‌کان مرفوع — خبرکان منصوب)

٥ــ أَ لَيْسَ الصَّبْرُ مِفْتاحَ الْفَرَجِ؟ ..... (ناقصه — اسم‌کان مرفوع — خبرکان منصوب)

١ــ نَظَّفَ: تمیز کرد

٢ــ «اسم افعال ناقصه» فقط در حالتِ ظاهر تدریس شده و «خبر مقدَّم» نیز تدریس نشده است.